

## در برابر گرانیها چه سازماندهی اعتراضی ای باید انجام گیرد

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در کانال جدید، صفحه ۵



در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی  
گفتگو با حسن صالحی در برنامه سازمانده در کانال جدید، صفحه ۲

تلاش برای دستگیری نیری در آلمان  
کاظم نیکخواه، صفحه ۷

اعتراضات بازنشستگان و اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته  
شهلا دانشفر، صفحه ۸

۹ مرداد: تجمعات بازنشستگان مخبرات در ادامه دوشنبه های اعتراض صفحه ۱۱

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد اصفهان و کارگران رسمی نفت  
اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد، صفحه ۱۴

متن سخنرانی حسن صالحی در میتینگ اعتراضی مالمو در حمایت از عباس دریس  
۳۱ تیر ۱۴۰۲، صفحه ۱۳

سوم مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر صفحه ۱۲

اعتصاب کارگران مجتمع معدنی چادرملو صفحه ۱۲

سروناز احمدی را به کودکان بازگردانید

بیانیه مشترک ده نهاد دفاع از حقوق کودک، برگرفته از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۲

### مدیای اجتماعی

بیانیه فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران: اتهامات علیه نیلوفر حامدی و الهه محمدی بی اساس است، صفحه ۶

سروناز احمدی را به کودکان بازگردانید، صفحه ۱۴

گردهمایی در مقابل کلینیک مغز و اعصاب در هانوفر در اعتراض به پناه دادن نیری قاتل، صفحه ۸

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۰

۹ مرداد ۱۴۰۲

۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

در اهمیت انقلاب زن  
زندگی آزادی

یاشار سهندی، صفحه ۹

حکم اعدام عباس دریس

و محمد قبادلو متوقف شد

صفحه ۱۳

دو خبر خوشحال کننده

توقف احکام اعدام

حسن صالحی، صفحه ۱۰

سفره های خالی و قلبهای

پُر امید - سیما بهاری

صفحه ۱۱

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان  
انهاست. درج مقالات در کارگر  
کمونیست لزوماً به معنی تأیید  
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



## در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی

### گفتگو با حسن صالحی در برنامه سازمانده در کانال جدید

شاهلا دانشفر: قبل از اینکه وارد بحث شویم لازمست در مورد دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی صحبت کنیم و بعد به جنبه‌های دیگر بحث بپردازیم. نکات شما در این مورد چه هستند؟

**حسن صالحی:** این انقلاب تا همین امروز دستاوردهای بسیاری داشته است. چه به لحاظ ابعاد کمی انقلاب، چه به لحاظ مضمون شعارها و مطالباتی که این انقلاب نمایندگی میکند، چه به لحاظ اشکال مختلف سازمانیابی مردمی که در متن انقلاب شکل گرفته است، چه به لحاظ بازتاب جهانی انقلاب و رسوایی جمهوری اسلامی و تشتت بیشتری که در صفوف جمهوری اسلامی ایجاد کرده، و چه به لحاظ سنگرهایی که انقلاب فتح کرده مثلا در زمینه حجاب. اینها همه جنبه‌های مختلفی هستند که دستاوردهای انقلاب را نشان میدهند. اجازه بدهید به این موارد تک تک مروری داشته باشیم. همین کلمه انقلاب را در نظر بگیرید، وقتی که یکی دو هفته از اعتراضات گذشته بود، خود معترضین گفتند "به این نگید اعتراض اسمش دیگه انقلابه" به یک معنا خودش یک دستاورد است. چرا که معترضین دارند عزم جزم خود را نشان میدهند که آمده اند تا دست به ریشه ببرند و یک تحول ریشه ای و بنیادی را برای رهایی خود انجام بدهند. و اگر دقت کنید تا قبل از آن نزد برخی گروه‌ها و حتی اپوزیسیون از انقلاب به عنوان خشونت اسم برده می شد. این گفتمانها همه کنار رفت و جای خودش را به انقلاب به عنوان مطلوب ترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی و دست بردن به ریشه و حل همه مسائل بنیادی جامعه داد و این گفتمان باب شد. و وقتی بر میگردیم و این فاکتور را در شعارها و مضامین انقلاب دنبال می‌کنیم، می بینیم که شعار اصلی این انقلاب "زن زندگی آزادی" است. و خود زندگی را در دستور کار خودش گذاشته است. و این معنای وسیع و گسترده ای دارد. به معنای اینکه ما منزلت و شان انسانی می خواهیم. ما می‌خوایم از زیر بار ظلم و ستم و نابرابری رهایی پیدا کنیم. شعار بسیار زیبایی که انقلاب را متعین تر کرد. این شعار در منشورهایی که از جانب تشکل‌های کارگری و اجتماعی در ایران داده شد، منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل مشخص تر هم شد بطوریکه این منشور با خواست‌های انسانی خود به مانیفست این انقلاب تبدیل شد. و با منشورهای دیگر که در زمینه حقوق زنان مطرح شد و همینطور بیانیه‌ها و گفتمانهایی که در زمینه اعدام و در مخالفت با اعدام به راه افتاد همگی مبین این هستند که این انقلاب به لحاظ کیفی خیلی عمق پیدا کرده و خواستهایی رادیکال، انسانی و مترقی را جلو آورده و نمایندگی میکند. در ابعاد سازمانی نیز انقلاب پیشرفت بسیاری داشت. علاوه بر سازمانها و تشکل‌هایی که پیش از این وجود داشتند، مثل شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و کانونهای صنفی آنها، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و دیگر تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی، انقلاب تشکل‌های ویژه خود را بیرون داد. از یک طرف از تشکلهای موجود استفاده موثری شد برای دامن زدن به اعتراضات که در آن فضای ملتهب انقلاب خیلی مهم بود. از سوی دیگر نهادهای خودجوش مردمی شکل گرفت که جوانان، دانشجویان، زنان، و بخش‌های دیگر جامعه را متشکل کرد و اینها تا به حال مبتکر راه اندازی اعتراضات متعددی بوده اند. از جمله آنجایی که انقلاب به لحاظ کمی فروکش کرد فعالیت این تشکل‌های نوپا باعث شد که یک جهشی اتفاق بیفتد و اعتراضاتی چه به صورت تجمعات و شعاردهی‌های شبانه و چه شعار نویسی‌ها و اکت‌های خیابانی و اشکال گوناگونی اعتراض سازمان پیدا کند. این

**شاهلا دانشفر:** تصویر جالبی از دستاوردهای انقلاب دادید. یک تاکید مردم نیز در شعارها و گفتمان هایشان اینست که "به عقب برنمیگردیم". و این در برابر سرکوبگری‌های حکومت و علیه اعدام، زندان، شکنجه، اعتراف‌گیری‌های اجباری گفتمان جامعه است. حکم زندان را دست معلم میدهند و معلم در پاسخ میگوید ما به عقب بر نمیگردیم و تعهد بستیم که ادامه دهیم. و به طور واقعی همانطور که اشاره کردید این انقلاب جامعه را شخم زد. پالایشی طبقاتی در جامعه ایجاد کرد و از نظر فکری رنسانس فکری بود علیه خرافه و مذهب، در دفاع از حقوق زن، و علیه عقب ماندگی‌ها. و بدینگونه اتحاد مبارزاتی عمیقی در میان مردم بوجود آورد. و این‌ها همه دستاوردهای انقلاب است. بنابراین با توجه به همه اینها وقتی ما از گرامیداشت سالگرد انقلاب صحبت میکنیم، در واقع گرامیداشت این دستاوردها است. یعنی ارج گذاشتن به این دستاورد هاست. سوال دیگر اینست که با توجه به همه این‌ها چه گامهای موثر دیگری باید برداشت که این دستاوردها رو تثبیت و عمیق‌تر کرد و انقلاب را گامی بزرگتر به جلو برد؟

**حسن صالحی:** با توجه به بحثی که داشتیم باید بگویم الان وضعیت به گونه ای



را کردیم به اوضاع نگاه کنیم، برای تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب چه نکات مهم دیگری مورد تأکیدتان است؟

**حسن صالحی:** در ادامه نکاتی که اشاره شد و تأکیدهایی که شما هم داشتید تأکیدی که ما داریم بر اعتراضات سراسری و عمومی است. اعتراضات سراسری در میان معلمان و یا کارگران نفت متحقق شده است. برای مثال در همین یکساله کارگران نفت در جاهای مختلفی دست به اعتصاب زدند. معلمان همینطور. بازنشستگان هم که هر روزه در تجمع و اعتراض هستند. الان هم گرانیها و وضع اسفناک معیشتی کل جامعه را به خشم در آورده است. بنابراین تدارک اعتراضات و تجمعات سراسری در سالگرد انقلاب بسیار امکان پذیر و در عین حال برای پیشروی انقلاب مهم است و باید در دستور جامعه قرار بگیرد. به این معنا که از همین الان این گفتمان را دامن بزیم و اعلام کنیم که در همه جا و در سراسر کشور اعتصاب کنیم و تجمعات اعتراضی خیابانی خود را علیه فقر و گرانی و جهمی که جمهوری اسلامی بر پا کرده داشته باشیم مطلوب ترین شکل گرامیداشت سالگرد انقلاب است و میتواند شروع موج جدید انقلاب باشد. بعلاوه به نظر من محلات در سازماندهی اعتراضات مردمی بسیار جای مهمی دارند. در محلات جوانان میتوانند به استقبال انقلاب بروند. تظاهرات محلی داشته باشند. تظاهرات ها و شعارگویی های شبانه داشته باشند. همینطور خانواده های که عزیزانشان را در جریان این انقلاب یا خیزش های مردمی پیشین از دست داده اند میتوانند نقش آفرینی کنند و مبتکر فراخوانهای تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف باشند. ببینید سالگرد انقلاب سالگرد قتل مهسا امینی عزیز است. انقلاب در جایی که مهسا متولد شده یعنی شهر سقز و در گورستانی که مهسا در آن به خاک سپرده شد، کلید خورد. در سالگرد انقلاب همین خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند، خود خانواده مهسا امینی و دیگر خانواده ها به هر حال میتوانند جلو بیفتند و فراخوانهایی بدهند و مردم را به شرکت در سالگرد انقلاب و گرامیداشت یاد این عزیزان دعوت کنند و نقش موثر و مهمی ایفا کنند. در عین حال مردم در کنار خانواده های جانباختگان انقلاب در آرامستانها و مراسم هایی که برگزار میشود حضور وسیع داشته باشند. اینها اتفاقاتی بوده که تا امروز نیز جریان داشته و این باید در ابعاد هرچه وسیعتر و گسترده تر اتفاق بیفتد. همچنین تشکلهایی که اشاره کردیم در جریان انقلاب از جوانان دانشجویان، دانشجویان، فعالین زنان و بخش های مختلف شکل گرفته اند لازم است که فراخوانهایی بدهند و در تدارک اعتراضات و اعتراضات سراسری، دست کشیدن از کار و آمدن به خیابانها باشند و همچنین اقدامات متعددی را در به نشانه همبستگی با خانواده های جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی در دستور بگذارند.

**شهلا دانشفر:** معنای این گفته ها اینست که از همین الان تا سالگرد انقلاب با شعار دهی های شبانه، با شعار نویسی ها، با آماده سازی صفوف خود بصورت تکثیر جمع های محلات و ایجاد جمع های بیشتر در جاهایی که وجود ندارند، در

## در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب ... از صفحه ۲

است که انقلاب به لحاظ کیفی عمیق تر شده و پیشرفت کرده است. و این پیشروی باید ادامه یابد. خود آگاهی مردم و اشراف آنها به اینکه چه میخواهند و به کدام سو میخواهند بروند و اینکه نه آنها به چیست، و جانشین این نه چه باید باشد، باید بیشتر شود. در این حال همه این پیشرفت ها باید منجر به فتح سنگرهای بیشتری شود. برای مثال اگر ما توانستیم بیحجابی را تا حدودی جا بیندازیم باید قدمی جلوتر برویم و در ادارات و دوائر دولتی و همه جا این مساله باب بشود. همینطور در زمینه های دیگری در مقابله با سرکوب، شکنجه، اعدام، دستگیری ها، زندانی کردن فعالین اجتماعی و یا موارد دیگر جمهوری اسلامی را به عقب برانیم. در عین حال مساله کمی انقلاب به نظر من اهمیت وافری دارد. ما باید کاری بکنیم که کمیت هر چه بیشتری از مردم حضور داشته باشند و به صف انقلاب بپیوندند. در نهایت جمعیت یک فاکتور تعیین کننده در هر انقلابی است. و بالاخره مردم به خیابان می آیند، قیام میکنند، و از طریق برپایی اعتراضات سراسری خیابانی، از طریق برپایی اعتراضات سراسری همزمان، ضربه نهایی را به جمهوری اسلامی این حکومت ستمگر وارد میکنند. این جهتی است که به نظر من باید انقلاب در پیشرفت خودش داشته باشد. یعنی اینکه بتواند به لحاظ کمی جمعیت وسیع تری را درگیر بکند و به لحاظ سازمانی بتواند اعتراضات و اعتراضات سراسری وسیع و گسترده ای را سازمان دهد.

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید انقلاب در نیمه راه است. به همین دلیل مساله جمعیت و مسئله تحکیم بخشیدن به این دستاوردها و زدن آن ضربه کاری که جمهوری بساطش جمع شود در دستور قرار دارند. و الان وقتی بحث تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب است و وقتی به جامعه نگاه می کنیم در واقع بحث بر سر تدارک موج جدید و قدرتمندتری از انقلاب است. شما ببینید با اعتراضات گسترده بازنشستگان و بخش های معترض دیگر اجتماعی در کف خیابانها چه خیر است. کارزارهای مبارزاتی مردم علیه زندان و برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و شکنجه را ببینید. به جدالی که علیه حجاب و گشت های ارشاد حکومت در کف خیابانها و در تداوم انقلاب است نگاه کنید. حجاب و گشت های ارشاد که امروز چماق حکومت برای عقب زدن انقلاب هستند. برای مثال در برابر مراسم ماه محرم زنان شجاعانه جلو آمده و با برداشتن حجاب مراسم مذهبی حکومت را به صحنه اعتراض خود تبدیل میکنند. مجموعه این شرایط نشان میدهد که این جامعه است که دارد دور قدرتمند تری از انقلاب خود را تدارک می بیند. و همانطور که اشاره شد میگوید به عقب بر نمیگردم و راهی هم جز ادامه انقلاب در برابر خود ندارد و می خواهد به این بربریت و توحش پایان دهد. در این اوضاع و احوال مساله اعتراضات سراسری کارگری و تجمعات سراسری اعتراضی در تمام شهرها اهمیت وافری پیدا میکند و گفتمانهایی داغ در جامعه هستند. به نظر من بستر چنین ابعدی از اعتراضات و تجمعات سراسری نیز فراهم است. از جمله همین الان کارگران پروژه ای پیمانی نفت در تدارک اعتصاب هستند. در همین هفته شاهد اعتصاب و تجمعات ۱۲۰۰ کارگر چادرملو بودیم. و مراکز کارگری بسیاری از جمله شهرداریها و جاهای مختلف می بینید که دارد از اعتراض می جوشد. به لحاظ تجمعات اعتراضی سراسری یک نمونه برجسته آن تجمعات اعتراضی بخش های مختلف بازنشستگان است که اکنون دیگر بحث بر سر یک کاسه کردن تجمعات ۲۵ میلیون بازنشسته در میان است. بنابراین خیلی روشن است که در چنین فضایی میشود به تدارک اعتراضات سراسری و تجمعات اعتراضی سراسری مردمی رفت. از جمله در سالگرد انقلاب فراخوان به اعتراضات و تجمعات سراسری داد. یعنی اینکه جامعه با بیانیه ها و گفتمانهایش و اتحادش به این سو برود. اما حال اگر با این زاویه که بخش





## در تدارک گرامیداشت سالگرد...

از صفحه ۳

همه جا باید برویم. یعنی یک تدارک سازمانی وسیع در دستور کار ما قرار می‌گیرد. به خاطر اینکه داریم وارد ابعاد گسترده تری از مبارزه می‌شویم. همینجور تدارک اعتصابات، تدارک تجمعات سراسری، فراخوان‌های اعتراض به تجمعات، خانواده‌ها که پشت‌تاز این فراخوانها باشند. همینطور دانشگاهها و جوانان. بنابراین بحث ما اینجا روی سخنش با همه بخش‌های جامعه است. که در چنین ابعادی بسراغ گرامیداشت سالگرد انقلاب و مهسا دی برویم. چرا که برای ما فقط یک روز نیست. بلکه گرامیداشت سالگرد انقلاب مقطع مهمی از تداوم انقلاب و موج جدید آنست برای اینکه بتوانند کار را با این حکومت یکسره کند. اما حسن صالحی اجازه بدهید در آخر پاسخی هم به سوال دوستی که برای این برنامه فرستاده بدهیم. دوست ما می‌نویسد که ما گروه‌های شعار نویسی خودمان را ضبط و ربط دادیم و مشغول هستیم شعار شما بر چه شعاری تاکید دارید. از شما می‌خواهم که به سوال این دوست ما پاسخ دهید؟

انقلاب نگاه کنیم، به دستاوردهای آن نگاه کنیم، به موضوعات اعتراض مردم نگاه کنیم، و اینکه چه نمی‌خواهیم مضمون و محتوای شعارها هم روشن میشود. بنابراین جمهوری اسلامی نابود باید گردد، مرگ بر خامنه ای، زن زندگی آزادی، می‌شود محورهای اصلی و آنوقت بر اساس همه این بحث‌ها زیباترین شعارهای اعتراضی از دل جامعه می‌جوشد. اما مسئله اصلی اینست که شعارهای ما باید متحد کننده باشد. شعارهای ما باید علیه خرافه و مذهب و قوم گرایی و هر نوع عقبگردی در جامعه باشد. شعارهای ما رو به آینده باشد و جامعه ای شاد و انسانی که انسانیت در آن موج بزند را فریاد بزند. به این اعتبار اگر من یک تاکید داشته باشم اینست که نگذاریم شعار "زن زندگی آزادی" کم رنگ بشود. این شعار چتر اتحاد مردم است که همه را زیر بال خودش می‌گیرد. در عین حال این شعار معرفه انقلاب در دنیاست. دنیا انقلاب ایران را با این شعار می‌شناسد. به همین دلیل به نظر من با تاکید بر روی همه اینها شعار زن زندگی آزادی باید بر روی بنرهای اعتراضی در همه جا نقش ببندد. روی در و دیوار نقش ببندد. بر روی تابلو ها در خیابانها نوشته شود. اما در آخرین دقیقه برنامه حسن صالحی آیا نکته ای برای تاکید دارید؟

حسن صالحی: ببینید سالگرد انقلاب فرصتی هست که ما نیروی تازه‌ای به این انقلاب ببخشیم. شاهد موج جدیدی از انقلاب باشیم. جامعه ایران بعد از اتفاقاتی که یک سال پیش افتاد هیچ وقت دیگر به عقب بر نمی‌گردد. آن چیزی که در مقابل ما هست جلو رفتن و پیشرفت کردن است. و این پیشرفت در گرو این هست که بخش‌های مختلف مردم دستشان را در دست هم بگذارند. خودشان را سازمان بدهند. و با شفافیت هر چه بیشتر پرچم تمامی خواست‌های انسانی خودشان را بلند کنند و با اعتصاب عمومی، اعتصاب سراسری و آمدن در خیابانها کاری بکنند که ضربه نهایی را به این جمهوری وارد کنیم. امید من اینست که دومین سالگرد انقلاب، سالی باشد که ما بتوانیم بر رژیم تبهکار اسلامی پیروز باشیم.

شهلا دانشفر: متشکرم حسن صالحی که در این برنامه شرکت کردید.

حسن صالحی: شعارهای مردم اساسا در این مقطع انقلاب یعنی وقتی که در برابر حکومت قرار می‌گیرند بر سر رفتن حکومت است یعنی شعارهای اصلی مردم سرنگونی طلبانه است. زن، زندگی، آزادی، جمهوری اسلامی نابود باید گردد، حکومت دینی نمی‌خواهیم، حکومت کودک کش نمی‌خواهیم، حکومت ضد زن نمی‌خواهیم، مرگ بر خامنه ای و غیره که مردم دارند بیست و چهار ساعته آنها را به اشکال مختلف فریاد می‌زنند. اما افزون بر این‌ها بالاخره شعاری که مبین خواستها و مطالبات فوری مردم هستند هم طبعاً مهم است. بطور مثال ما رفاه می‌خواهیم، مسکن مناسب می‌خواهیم، درمان رایگان و یک زندگی شایسته انسان می‌خواهیم، آپارتاید جنسی باید برچیده شود، زن و مرد برابر باشند، مجازات اعدام باید لغو بشود، مجازاتهای ضد انسانی برچیده شود. زندانیان سیاسی آزاد شوند. و این همان شعاری است که در همان منشورهای مطالباتی ای که در جریان انقلاب داده شده و بیشتر بدان اشاره کردم، آمده است. و یا شعاری که همین امروز بازنشستگان در کف خیابان فریاد می‌زنند و اوج خشم و نفرت مردم از فقر و بردگی را بیان میکند. یا شعاری که معلمان در اعتراضات شان داشتند شعاری که علیه فساد و گرانی و تورم است. که شعار فقر فساد گرانی، میریم تا سرنگونی یک نماد بارز آن در همین انقلاب بود و شعار جالب و گویایی است که باید بر در و دیوار نوشته شود. به این ترتیب شعارها باید مسایل و مشکلات مردم و تصویر آنها از خواستها و مطالباتشان را آدرس بکنند. و معنای همه این شعارها یعنی جمهوری اسلامی نابود باید گردد

شهلا دانشفر: نکات اصلی اشاره شد. مساله اصلی اینست که اگر به مضمون

**به حزب کمونیست  
کارگری پیوندید!**

تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

**ماهواره پناه ست**

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

**ماهواره یوتلست**

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**پخش زنده آنلاین:**

**پخش زنده**

**newchannel.tv/live/tv**

فرکانس های

**تلویزیون کانال جدید**

در ماهواره های:

**www.newchannel.tv**  
**nctv.tamas@gmail.com**



## در برابر گرانیها چه سازماندهی اعتراضی ای باید انجام گیرد

### گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویدادها در کانال جدید

**میشم عتیق:** همزمان با انتشار خبر افزایش ناگهانی قیمت نان در مشهد رئیس اتحادیه نان در این شهر از اجرای تدریجی برنامه اول افزایش قیمت نان در سراسر کشور بدستور مستقیم دولت ابراهیم رئیسی خبر داد. به گزارش خبرگزاری فارس افزایش ۴۰ درصدی بهای نان در مشهد از روز سه شنبه سوم مرداد شروع شده و بر اساس نرخ نامه جدید قیمت نان در استان خراسان رضوی به این صورت اعلام شده که بهای نان بربری سنتی یارانه ای که تا روزهای قبل از این ۸۵۰ تومان بود، به ۱۲۰۰ تومان رسیده است. همیطور در این نرخ نامه قیمت نان تافتون سنتی یارانه ای از ۶۵۰ تومان به ۹۰۰ تومان و سنگک یارانه ای از ۱۴۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان و بربری خراسانی نیمه یارانه ای از ۱۳۰۰ تومان به ۱۸۰۰ تومان افزایش داشته است. در واکنش به این موضوع اتحادیه نان مشهد اعلام کرده است که این افزایش قیمت نان در دست اتحادیه و مسئولان مشهد نیست بلکه چنین تصمیمی از طرف پایتخت گرفته شده و برنامه افزایش به مرور زمان سراسری قیمت نان در تمام کشور اجرایی خواهد شد.

میشود که دشمن از این شرایط نابسامان سوء استفاده کند. حکومت وحشت دارد از اعتراضات مردم. چون یک تم مهم انقلاب زن زندگی آزادی، اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تأمین است. که خود را در شعار "فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی" در کف خیابان بازتاب میداد. و همین امروز شعار "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" در تجمعات اعتراضی کارگران و بازنشستگان در کف خیابان بر تداوم انقلاب تاکید دارد. بنابراین گرانی نان و به تبع آن گرانی های بیشتر یک اعلام جنگ دیگر به کل جامعه است و این موضوع بر خشم و اعتراض مردم بیشتر دامن خواهد زد. از جمله همین الان ما در کف خیابان شاهد فریاد های اعتراضی خشمگینانه مردم و بخش های مختلف بازنشستگان هستیم وقتی که شعار میدهند "بیشرف دروغگو حاصل وعده هایت کو"، "کو مهار تورم دروغ میگیر به مردم"،

**میشم عتیق:** یک نکته ای که اینجا مطرح است اینست که حکومت آمده بصورت آزمایشی در استان خراسان افزایش قیمت نان را پیاده کرده است. و الان سر و صدای موضوع بلند شده که قرار است در باقی استانها نیز این طرح را پیاده کنند. همین متد را در رابطه با افزایش سایر اقلام معیشتی داشته اند. فرضا کالا برگ دیجیتال که همان کوپن های سابق هستند را به همین شیوه یعنی آزمایشی در چند شهر استان کشور پیاده کردند و بعد سراسری شد. اقلام دیگری هم هستند. مجموعه این رویکرد حکومت را که میبینید، فکر میکنید برای ماههای پیش رو، آنهم در شرایط اقتصادی کنونی جمهوری اسلامی چه خوابی برای سفره های مردم دیده است؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردم اقتصاد جمهوری اسلامی به گل نشسته است. و در عین حال از موج دوباره انقلاب وحشت دارد. به همین دلیل طرحهایش را از یک جا شروع میکند تا بتواند کنترل اوضاع را تا هر اندازه که شده در دست داشته باشد و بتواند طرحش را در جاهای دیگر و سراسری تر به پیش ببرد. معلوم است که این تعرض به اعتراضات مردم شدت خواهد داد. قبلا هم نظیر اینگونه طرحها را اعلام کردند و بعد در برابر اعتراضات مردمی مجبور شدند عقب بنشینند. در همین یکساله چند بار گفتند قیمت بنزین گراتر خواهد شد. گرانی هایی هم صورت گرفت. ولی حکومت با یک قدم جلو و دو قدم عقب سیاست هایش را جلو می برد چون از مردم و اعتراضات مردمی وحشت دارد. ما میدانیم که ۴۰ درصد افزایش قیمت نان تاثیر خود را روی قیمت همه اجناس دیگر میگذارد. یعنی قیمت همه اجناس به تناسب بالا میروند. به جز قیمت مزد کارگر و دستمزدها. و معنای همه اینها همان چیزی است که خودشان در جدالهایشان و از در راه بودن تورم هفتاد درصدی صحبت کردند هست. تازه وضع از این هم وخیم تر است. این تدارکی است که جمهوری اسلامی برای چپاول گسترده تر مردم دیده است. از جمله از یکطرف می بینید که جواب بازنشستگان را با اینکه صندوق بازنشستگی خالیست میدهد. و قبلا در همین برنامه صحبت کردیم که هفده صندوق از هجده صندوق بازنشستگی دچار ورشکستگی شده است و این بخشی از چپاولگری های حکومت است. از سوی دیگر خبری از افزایش دستمزدها نیست و حتی طرحی که از سوی

شهلا دانشفر افزایش قیمت نان آنهم نه پنج درصد و ده درصد بلکه یک شبه و ۴۰ درصد طرحی است که جمهوری اسلامی میخواهد در استانهای کشور پیاده کند. شما فکر میکنید که حکومت چه هدفی را از پیشبرد این طرح دنبال میکند. و با توجه به این که اساسا و تاریخا نان جایگاه ویژه ای در سفره های مردم دارد، آیا حکومت متوجه تبعات سیاسی این افزایش قیمت نیست؟

**شهلا دانشفر:** مساله این است که جمهوری اسلامی هدف و برنامه اقتصادی ویژه ای جز چپاول بیشتر مردم را ندارد. مساله اصلی اینست که اقتصاد این حکومت داغان است و به ورشکستگی کامل رسیده است. سالگرد انقلاب است و جمهوری اسلامی میدانند که باید نیروهای سرکوبش را پروار کند و هزینه سرکوب برایش در اولویت است. و میدانند که هزینه سنگینی بر میدارد برای اینکه نیروهای خودش را برای سرکوب در برابر بر آمد جدید انقلاب به خط کند. همین الان در تامین نیروهای سرکوب گشت های ارشاد خود مانده اند. در نشست هایشان بارها این را گفته اند. اقتصادشان نیز فروپاشیده و به ورشکستگی رسیده است. این را هم از قبل به شکل های مختلف اعلام کرده اند. یک اقتصاد مافیایی که اساسش بر رانت خوری و چپاول استوار است و به بن بست کامل رسیده است. از قبل اخطار داده بودند که افزایش هفتاد درصدی نرخ تورم در راه است. و معنای آن در پیش بودن گرانی های بیشتر است. از جمله می بینیم قیمت نان چنین ناگهانی افزایش پیدا کرده است و به قول شما نان یک قلم اساسی در زندگی و معیشت مردم است. همانطور که اشاره شد این افزایش قیمت سراسری خواهد بود و گفته اتحادیه نانوایان درست است که این تصمیم مرکزی و مستقیما از سوی دولت است. این سیاست دولت است. در جلسه و نشست فرماندهان با خامنه ای همان اول گفتند که باید بودجه نیروهای سرکوب را افزایش داد. بنابراین افزایش قیمت نان را باید در چهارچوب چنین اوضاعی از روند سیاسی جامعه و وضع در هم ریخته حکومت دید. فقط نان نیست که گران شده است. الان قیمت مرغ کیلویی ۱۲۰ هزار تومان است. و این ارقام هر روز بالاتر میرود. درمورد همین معضل گرانی می بینیم که در درون مجلس چگونه به جان هم افتاده اند. یکی از نمایندگان مجلس هشدار داده و میگفت که اگر نرخ تورم گرانی بدین صورت افزایش یابد مردم گسترده تر به اعتراض برخوانند خاست و باعث



از صفحه ۵

## در برابر گرانیها ...

تشکلهای دست ساز حکومتی تحت عنوان بازنگری در میزان حداقل دستمزد داده شده بود بخاطر اینکه میدیدند فضای اعتراض به مصوبه شورای عالی کار بالاست، رد شد. به این معنا که تشکلهای حکومتی این طرح را داده بودند تا بلکه مبارزه بر سر دستمزد را از کف خیابان عقب بزنند. بعلاوه برنامه هفتم توسعه را هم دیدیم که تماما تعرض به معیشت جامعه و بویژه بازنشستگان است. بنابراین دست حکومت و بساط چپاولگرانه اش برای مردم رو است. و همانطور که اشاره کردم این گرانیها بدون شک با یک اعتراض گسترده مردمی روبرو خواهد شد. و زمزمه ها و تلاطم های آنرا همین امروز شاهد هستیم.

میشم عتیق: با توجه به همه این ها در رابطه با این مساله چه باید کرد؟ میدانیم که نان بصورت نمادین در تاریخ جامعه ایران در انتهای کار قرار گرفته است. یعنی وقتی که دیگر چیزی برای دست دادن نداری و اصطلاح نان شب را همه میدانیم که در ایران به چه معنا است. الان ما شاهد هستیم که جمهوری اسلامی به نان هم دارد حمله میکند و چنین افزایش قیمتی را در نظر گرفته است. این تعرض جمهوری اسلامی را در کف خیابان چگونه مردم باید پاسخ بدهند. کارگران معلمان بازنشستگان و سایر بخشهای مزدبگیر جامعه مشخصا در رابطه با این تصمیم حکومت در رابطه با افزایش قیمت نان چکار باید بکنند؟

شهلا دانشفر: این وضعیت هیچ پاسخی جز این ندارد که جمهوری اسلامی باید گوش را گم کند و برود. برای اینکه گرانی پایان بگیرد. فقر و بی تامینی پایان بگیرد، اختلاس و دزدی پایان بگیرد باید بساط این حکومت را جمع کرد. ولی همین الان باید چه کرد. به نظر من در برابر همین تصمیم و گران شدن قیمت نان باید اعلام اعتراض کرد. بطور مثال تجمع سراسری بخش های مختلف کارگری معلمان، بازنشستگان علیه این سیاست یک پاسخ محکم به این تصمیم جنایتکارانه و ضربه محکمی به حکومت است. بازنشستگان همین الان این تجمعات را دارند. بخش بسیاری از شعارهایشان در کف خیابان علیه گرانی و تورم است. شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" سر میدهند. خودشان شعار اتحاد بخشهای مختلف بازنشستگان را میدهند و میگویند "کشوری، لشکری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، باید این اتحاد وسیع ۲۵ میلیون بازنشسته انجام بگیرد. در جاهایی مثل کرمانشاه شاهد تجمعات مشترک بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی بوده ایم، باید در همه شهرها این

تجمعات مشترک را بر پا کرد. در عین حال همه بخش های جامعه از این اعتراضات حمایت کنند و به آن بپیوندند. معلمان خودشان مبتکر اعتراضات گسترده سراسری بوده اند و الان بیش از هر وقتی می طلبند که علیه گرانیها و در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواستها و مطالباتشان فراخوان اعتراض سراسری بدهند. جمهوری اسلامی از یکطرف نان را گران میکند، با تعیین دستمزدهای چندین بار زیر خط فقر معیشت کارگران و کل جامعه را مورد حمله قرار میدهد و با طرحهایی چون برنامه توسعه هفتم معیشت مردم را مورد حملات شدید قرار میدهد و از طرف دیگر سرکوبگریهایش را شدت میدهد تا انقلاب را عقب بزند. به همین دلیل اعتراض علیه گرانی، اعتراض علیه فقر، اعتراض علیه فساد، و اعتراض علیه سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام و ایستادن مقابل گشت های ارشاد جمهوری اسلامی امروز محورهای مهم اعتراضات متحد همه مردم است. فراخوان من به اعتصابات سراسری است. فراخوان من به تجمعات سراسری است. در این آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی باید به تدارک چنین اعتراضاتی برویم. الان هزاران کارگر پروژه ای پیمانی نفت در تدارک اعتصاب هستند. بازنشستگان در تدارک تجمعات متحد سراسری خود هستند، محیط های مختلف کارگری از اعتراض می جوشد و در این بستر میشود چنین اعتراضات سراسری ای را شکل داد و باید به تدارک آن رفت. در کنار آنها شعاردهی های شبانه را با بلند کردن فریاد اعتراض علیه گرانی ها و فریاد رساتر شعار "فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی" را از سر گرفت. برای چنین اعتراضاتی محلات مختلف را سازمان دهیم. چنین اعتراضاتی هم پاسخی به تعرضات معیشتی حکومت و برای عقب زدن آنست از جمله علیه گرانی نان و هم فضا را آماده میکند که در سالگرد انقلاب با توجه به شرایط پر تلاطم جامعه بتوانیم به تدارک سر بلند کردن موج قدرتمند تری از انقلابمان برویم.

میشم عتیق: سپاس از شما شهلا دانشفر که در این برنامه شرکت کردید

## بیانیه فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران: اتهامات علیه نیلوفر حامدی و الهه محمدی بی اساس است

می کند. این نهاد در بیانیه خود نسبت به وضعیت این دو خبرنگار ابراز نگرانی کرد و خواستار آزادی آنان شد.



فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران با انتشار بیانیه ای، اتهامات انتسابی علیه نیلوفر حامدی و الهه محمدی را بی اساس دانست و خواستار آزادی آنان و همه روزنامه نگاران در بند شد. نیلوفر حامدی و الهه محمدی، روزنامه نگاران شجاعی هستند که جانباختن ژینا امینی و خاک سپارایش را گزارش کردند و به این جرم در روزهای سوم و چهارم مرداد در بیدادگاه حکومت مورد محاکمه قرار گرفتند.

حمایت های بین المللی از آنان نشانی از بازتاب جهانی این انقلاب است. دومینیک پرادالیه، رئیس این فدراسیون عنوان کرد: "حبس روزنامه نگاران به خاطر انجام کارشان یک علامت هشدار دهنده در سطح بین المللی است. روزنامه نگاری جرم نیست و جمهوری اسلامی باید همه خبرنگاران و فعالان رسانه ای کشور را آزاد کند." گفتنی است که باشگاه ملی مطبوعات آمریکا نیز طی بیانیه ای اعلام کرد که جایزه بخش بین الملل خود در سال ۲۰۲۳ را به الهه محمدی و نیلوفر حامدی اهدا





## تلاش برای دستگیری نیری در آلمان

کازم نیکخواه

این روزها خبر حضور یکی از آدمکشان شناخته شده حکومت اسلامی حسینعلی نیری در آلمان، جنب و جوش گسترده ای را برای دستگیری و محاکمه او به جریان انداخته و کلا بحث در مورد جنایات و هولوکاست حکومت اسلامی را در سطح بین المللی دامن زده است. تجمعات و افشاگرها و بحثهای زیادی حول حضور او و برای دستگیری و محاکمه این موجود خبیث به جریان افتاده است. آخرین آن یک تجمع اعتراضی و افشاگرانه روز شنبه ۲۹ ژوئیه بود که با حضور شمار قابل توجهی از نیروهای اپوزیسیون در مقابل کلینیک دکتر سمیعی در هانوفر برگزار شد. سران و دست اندرکاران این حکومت هزاران شاکی خصوصی دارند و کلا به جرم جنایت علیه بشریت هرجا که آفتابی شوند مورد پیگرد قرار میگیرند و همچون نیری و شاهرودی و منصوری باید فراری شوند و خود را مخفی نمایند.

حسینعلی نیری یکی از اعضای کمیته مرگ در سال ۶۷ بوده است که در عرض مدت کوتاهی حکم اعدام بین ۵۰۰۰ نفر و بنا به گزارشاتی ۱۵۰۰۰ نفر از دستگیر شدگان و زندانیانی را که اکثرا در خیابانها به صورت فله ای دستگیر شده بودند صادر کرد و همه آنها بلافاصله اعدام شدند. ابراهیم رئیسی رئیس جمهور کنونی حکومت اسلامی، مصطفی پور محمدی که بعنوان وزیر دادگستری سابق و معاون قوه قضائیه کنونی و همچنین سمتهای متعدد دیگری در حکومت نقش ایفا کرده و میکند، و همچنین مرتضی اشراقی دادستان وقت تهران، اعضای اصلی کمیته مرگ در کنار نیری بودند. دستان این جانان تا مرفق به خون عزیزان مردم آغشته است.

با انتشار خبر حضور نیری در آلمان شماری از چهره ها و فعالین اپوزیسیون و نیروهای حقوق بشری در برابر کلینیک مغز و اعصاب مجید سمیعی جمع شدند و دست به افشاگری علیه حکومت و نیری زدند و بر دستگیری او تاکید کردند. بعلاوه شکایتی به دادگاههای آلمان توسط تنی چند از ایرانیان که از آسیب دیدگان جنایات این حکومت هستند ارائه شد. و پرونده ای علیه او تشکیل گردید و گفته میشود که دادستان کل آلمان پرونده او را دست بررسی دارد. بنا به یک گزارش پلیس به مرکز درمانی مغز و اعصاب دکتر سمیعی رفته و بعد از بررسی اعلام کرده است که او در آنجا حضور نداشته است. اما با توجه به سابقه همکاریهای دولت و پلیس آلمان با جمهوری اسلامی در سالهای گذشته، کمتر کسی این گزارش را بی طرفانه تلقی مینماید. نمونه ویزا دادن به شاهرودی یکی دیگر از آدمکشان مشهور جمهوری اسلامی و بعد فراری دادن او از در پستی بیمارستان، بر عدم بی طرفی دولت و پلیس آلمان تاکید میکند. شاهرودی را بعد از اینکه زیر فشار اعتراضات و افشاگرها به جرم جنایت علیه بشریت در آستانه دستگیری بود دولت المان مخفیانه اسکورت کرد و به ایران فرستاد.

رسانه های جمهوری اسلامی از جمله روزنامه میزان حضور نیری در آلمان را تکذیب کردند و نوشتند که او نه در این روزها و نه در چند ماه گذشته و نه در چند سال گذشته به اروپا سفر نکرده است. سمیعی هم طی اعلامیه ای اعلام کرد که کسی از ایرانیان در این بیمارستان حضور نداشته است و خبر را به این شکل تکذیب کرد. اما گفت به عنوان یک پزشک ناچارم هرکس را که به کلینیک مراجعه میکند معالجه کنم. اما چندین روزنامه و خبرگزاری معتبر آلمانی نظیر دی ولت با فاکتهای متعددی تاکید کردند که او از ۶ تیر ماه در آلمان بوده و همچنان در آلمان حضور دارد. آنها خبر دادند که نیری با ویزای شنگن به ایتالیا سفر کرده و از آنجا به آلمان رفته و با دو خوروی سفارت جمهوری اسلامی به بیمارستان قلب و اعصاب سمیعی در هانوفر وارد شده تحت درمان قرار گرفته است. و به احتمال زیاد هنوز با نام مستعار در آلمان است. برخی سیاستمداران آلمانی و اعضای پارلمان این کشور حضور

جنایتکاری مثل نیری در آلمان را یک رسوایی برای دولت آلمان اعلام کردند. برخی پزشکان ایرانی نیز به حضور نیری در آلمان و مداوای او در بیمارستان سمیعی اعتراض کردند.

حکومت اسلامی یک ماشین کشتار و شکنجه و تجاوز است و اکثر دست اندرکاران آن صدها و هزاران شاکی خصوصی دارند و در دادگاههای بین المللی تحت تعقیب هستند. اینکه دست اندرکاران این حکومت جرات سفر به اکثر کشورهای جهان را ندارند و هرجا فضای آزادی اعتراض و شریایی دموکراتیک وجود داشته باشد تحت پیگرد و دستگیری قرار میگیرند، و ناچارند یا فرار کنند یا خود را مخفی نمایند، وضعیت نزار این حکومت را بروشنی جلوی چشم میگذارد. حمید نوری یکی از دست اندرکاران و شکنجه گران این حکومت بوده است که اکنون به جرم جنایت علیه بشریت در سوئد به حبس ابد محکوم شده و زندانی است. غلامرضا منصوری یکی دیگر از اینها بود که از آلمان فرار کرد و بعدا به نحو مشکوکی در رومانی به قتل رسید. برپایی تریبونال بین المللی برای بررسی جنایات حکومت در آبان ماه در لندن و تریبونال مردمی در اوتناریوی کانادا نیز از شماری از سران حکومت را به عنوان جانان علیه بشریت اسم برده و آنها را غیابا محکوم کرده و آنها تحت تعقیب قرار دارند.

اکثریت مردم ایران از جمهوری اسلامی عمیقا منزجر و متفردند. میلیونها تن از مردم عزیزانشان توسط این حکومت به شیوه های مختلف به قتل رسیده و نابود شده اند. این مردم زخم خورده و دادخواهند. دست اندرکاران امروز و دیروز این حکومت همچون نیری و خود خمینی و خامنه ای همه ابعاد وسیع و باورنکردنی ای از جنایت و تجاوز و شکنجه و ستمگری علیه عزیزان مردم را در کارنامه خود دارند. به همین دلیل امروز جنبش دادخواهی یک جنبش اجتماعی گسترده است که با شعار نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم، دادخواه جانباختگان و قربانیان این حکومت است. جنبش دادخواهی به نحو قابل فهمی یک جنبش سرنگونی طلبانه است و میخواهد دوران دردناک و تاریک حاکمیت این حکومت ضد انسانی هرچه زودتر پایان یابد. دامنه گسترده این جنبش به سراسر دنیا کشیده شده و به همین دلیل شکنجه گران و آدمکشان این حکومت جرات ندارند علنا پایشان را از کشور بیرون بگذارند و حتی در داخل کشور نیز جرات بیرون آمدن بدون محافظ را ندارند و گر نه عمامه هایشان به هوا پرتاب میشود.

نکته جالب و قابل توجه در این رابطه اینست که علیرغم خشم بسیار عمیقی که در جامعه علیه حکومت اسلامی و دست اندرکارانش موج میزند، مردم بطور واقعی در پی برپا کردن چوبه های دار و اعدام و انتقام از جانان حاکم نیستند. تجربه به اکثر مردم این کشور نشان داده است که کشتار و انتقام، نهایتا به دیکتاتوری و سرکوب



## اعتراضات بازنشستگان و اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته - شهلا دانشفر

شهلا دانشفر

بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند که نقش مهمی در جلو آوردن خواسته‌های سراسری جامعه از جمله درمان رایگان داشته اند و معیشت، منزلت، حق مسلم ماست یک شعار جا افتاده در میان آنهاست. بعلاوه بازنشستگان با مبارزات پیوسته و در سطحی نسبتاً سراسری به سهم خود بر بهبود توازن قوای سیاسی مبارزات مردمی در شهرها تاثیر مستقیمی دارند. از جمله راهپیمایی آنها در برخی شهرها با فریاد شعارهای کوبنده شان، فضای پر شوری از اعتراض ایجاد کرده و امروز در شرایطی که جامعه در التهاب انقلابی بسر میرود این تاثیر گذاری به لحاظ سیاسی بسیار مهم است. این اعتراضات بر محوریت اعتراض علیه فقر، گرانی و تعرضات معیشتی حکومت می‌تواند بستری برای شکل گیری تجمعات متحد بخشهای مختلف مردم معترض در شهرها باشد.

هم اکنون بخشهای مختلف بازنشستگان در اعتراض به فقر، گرانی، بی تائینی، تعرضات معیشتی حکومت و برای پیگیری خواسته‌هایشان روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه را به روزهای ثابت اعتراضاتشان تبدیل کرده اند. روز گذشته یکشنبه هشتم مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در هشت شهر تجمع داشتند و امروز و فردا بازنشستگان مخابرات و کشوری تجمع خواهند داشت. مصوبه مزدی شورای عالی کار و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر که بر پایه حقوقی بازنشستگان نیز تاثیر میگذارد، برنامه توسعه هفتم که بندهایی از آن معیشت بازنشستگان را نشانه رفته است و به سرقت رفتن دارایی های صندوقهای بازنشستگی توسط حکومتیان و

ورشکستگی هفده صندوق از هجده صندوق، موضوعات مشترک اعتراضی در میان ۲۵ میلیون بازنشسته است. این موضوعات و فضای انقلابی جامعه نشانگر زمینه برای گستردگی بیشتر اعتراضات بازنشستگان و اتحاد مبارزاتی جمعیت ۲۵ میلیونی آنها در شهرهای مختلف است. بنابراین اولین قدم پیوستن بازنشستگان از شهرهای بیشتری به اعتراضات کنونی و برگزاری تجمعات سراسری به وسعت کشور است. بویژه در شهرهایی چون اراک، تهران، تبریز، اردبیل و... که سابقه برگزاری چنین تجمعاتی را داشته اند، زمینه فراهم تر است. بعلاوه بخشهای مختلف بازنشستگان بر محوریت خواسته‌های مشترکشان می‌توانند تجمعات مشترک و پرجمعیتی را داشته باشند. شعار "کشوری، لشکری، اتحاد اتحاد"، تاکیدی بر این ضرورت است. و بالاخره در حالیکه "فقر فساد گرانی میریم تا سرنگونی" یک شعار مهم انقلاب زن زندگی آزادی است، بازنشستگان با شعار اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد ادامه انقلاب را فریاد میزنند و صدای اعتراض کل جامعه هستند. این چنین است که اعتراضات بازنشستگان در آستانه سالگرد انقلاب جایگاه سیاسی مهمتری پیدا کرده و باید وسیعاً از آن حمایت کرد. (برگرفته از ژورنال شماره ۴۸۶)

## تلاش برای دستگیری نیری ...

از صفحه ۷

## گردهمایی در مقابل کلینیک مغز و اعصاب در هانوفر در اعتراض به پناه دادن نیری قاتل

روز شنبه ۲۹ جولای ۲۰۲۳ به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام و ParsiMed کادر درمانی ایرانی در آلمان یک گردهمایی اعتراضی در مقابل کلینیک مغز و اعصاب در هانوفر (INI) برگزار شد. این گردهمایی ادامه اعتراضات هفته گذشته و در اعتراض به پناه دادن قاتلینی چون حسینعلی نیری از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است که به دلیل درمان به آلمان آمده اند. اجتماع کنندگان خواهان بازداشت این قاضی مرگ و محاکمه وی هستند. حسینعلی نیری در کلینیک هانوفر بستری بوده است. تاکنون دولت آلمان در این مورد سکوت کرده است ولی چندین فقره شکایت از قاضی مرگ به دستگاه قضایی آلمان جهت رسیدگی ارائه شده است. مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام با انجام گفتگوی های متعدد در باره مماشات دولت آلمان با رژیم اسلامی ایران صحبت کرد و تاکید داشت که آلمان نباید به پناهگاه امنی برای جانیان اسلامی تبدیل شود. وی بر ادامه کارزار جهانی دستگیری و محاکمه سران و کاربدستان رژیم که آمرین و عاملین جنایت علیه مردم ایران بوده اند تاکید کرد.

مردم منجر خواهد شد. مردم بدنبال امنیت و آزادی و رفاه و شادی هستند. بطور واقعی پاسخ حکومت اعدام و کشتار و تحجر و عقب ماندگی و چپاول، برپا کردن چوبه های دار نیست. بهترین پاسخ به این باندهای آدمکش و متحجر اینست که مردم، زن و مرد در شادی و آزادی و بدون یکه تازی و دخالتگری مذهب و آخوند و مسجد، زندگی کنند، شادی کنند، برقصند و در برابر چشم آنها زن و مرد دست در دست هم و بدون حجاب و پوشش اجباری و رعایت شئونات عقب مانده اسلامی در خیابانها بگردند و هیچ مرتجع جرات نکنند به آنها چپ نگاه کند چه رسد که به آنها دست درازی کند.

نیری و دیگر دست اندرکاران حکومت اسلامی باید از ترس دادگاههای مردمی بر خود بلرزند و اعتراضات هر روزه بخشهای مختلف مردم و فضای دادخواهی و حق طلبی در جامعه نشان میدهد که دور نخواهد بود روزی که به حاکمیت این ماشین جنایت تماما مهر پایان زده شود و مردم زن و مرد شادی کنند و نفس راحتی بکشند.







## در اهمیت انقلاب زن زندگی آزادی - یاشار سهندی

"نوام چامسکی"، نامی آشناست. یک برّند معتبر در "ضد امپریالیست" بودن. اما به همین اندازه، حداقل در مورد ایران پرت از همه عالم و آدم. آخرین اظهار نظر ایشان در مورد ایران چیزی جز تاسف بیار نمی آورد. او میگوید: "مسئله اساسی امروز ایران همان مسئله جنبش زن، زندگی، آزادی است؛ فراهم شدن شرایط حداقلی برای مشارکت آزاد در یک جامعه مشارکتی باز. اگر ایران بتواند از این چالش‌های یابد، تازه با مسائلی مانند سرمایه‌داری و استثمار مواجه می‌شود که امروزه در کانون بحران‌های جوامع غربی قرار دارد." روشنفکر اسیر در توهمات خویش با این اظهار نظر نشان می‌دهد چقدر پرت از واقعیت حاکم بر ایران است.

چامسکی به ما اطمینان دادند در "غرب خبری نیست؛ جز نتولیرالیسم! بعد هم توصیه فرمودند به "خشونت پرهیزی"؛ و گاندی وار اضافه نمودند: "نقطه ضعف سیستم‌های سرکوب در زمینه‌های خشونت‌پرهیز است." به زعم ایشان "مشکل ایران راه حل ساده‌ای دارد" (این "ایران"، مشخصاً منظور جمهوری اسلامی حاکم بر ایران است.) و در پی این گفته توجه حکومت سرکوبگر وحشی را به این جلب کردند که با کمی زرنگی و هوشیاری می‌تواند در تغییر معادلات جهانی جایی برای خودش در بلوک چین و روسیه پیدا کند و حرفش اینست که جمهوری اسلامی "می‌تواند از آنها برای بهبود وضع خودش بهره‌برد." و نهایتاً به جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌دهد که به سمت سلاح هسته‌ای نرود که "منطقه را در آتش خواهد سوزاند" پس بهتر است غنی‌سازی اورانیوم را کنار بگذارد و بهانه به دست آمریکا و اسرائیل ندهد! اگر ایران (شما بخوانید جمهوری اسلامی) عاقل باشد، به سمت نقطه قوت دشمنانش حرکت نمی‌کند!..."

روشنفکری از نوع چامسکی یک پدیده تصادفی نیست. یک جریان است که آگاهانه تصمیم گرفته است چشم خود را بر واقعیات جامعه کنونی نه تنها ایران، بلکه دنیا ببندد. نمونه دیگری از این نوع روشنفکری را میتوان در نظرات مهرداد درویش پور سراغ کرد. ایشان در یادداشتی که در سایت بی بی سی منتشر شده و اینجا و آنجا در سایتهای دیگر بازنشر شده به "آسیب شناسی جنبش 'زن زندگی آزادی' و ظرفیتهای ناشناخته آن" پرداخته است. و نتیجه این آسیب شناسی چیزی نیست جز گفتگوی ملی برای تقویت اعتدال‌گرایی "به قصد کانالیزه کردن تضادها" برای تشکیل بلوکهای سیاسی که نهایتاً نقش سنگی بر سر راه یک "ابر جنبش" بازی خواهند کرد.

در یادداشت فوق‌الذکر، ایشان همان ابتدا تأکید دارند ما به یک جنبش "پساساختارگرا" مواجه هستیم. این جنبش که ایشان آنرا "ابر جنبش" می‌شناساند، همه چیز هست الا اینکه یک جامعه‌ای برخاسته که کل سیستم موجود که تماماً متکی بر مناسبات تولید سرمایه‌داری است به یاری مذهب و حکومت مذهبی بر خلاف نظر چامسکی استثمار وحشیانه‌ای را بر جامعه تحمیل کرده است سرنگون کند. به روایت درویش پور جنبش زن زندگی آزادی همه چیز هست، جز یک جنبش معین و مشخص برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه؛ این جنبش بی‌هویت "جنبشی متکثر، افقی، سیال، غیر متمرکز و بدون برنامه اما هدفمند بود که در آن خواسته‌های ساختارشکنانه همچون آزادی حجاب، رفع تبعیض و نفی نظام مطرح شد." خیلی جالب است انقلابی که جاری است با افعال ماضی یاد میشود که گویا به تاریخ پیوسته است، اما در عین حال ایشان در پی "ظرفیتهای ناشناخته" آن است.

درویش پور به مانند همه جامعه‌شناسان و روشنفکرانی از نوع چامسکی هر چیزی را ببیند اما به قول جناب تورج اتابکی "عاملیت طبقه کارگر" را نخواهند دید. به روایت درویش پور گویا همه تاریخ معاصر ایران با "تکیه بر نهادهای سنتی موروثی و دینی و پایگاه‌های آن‌ها" شکل گرفته است و میگوید: "برای نخستین بار بدون تکیه بر نهادهای همچون بازار و روحانیت" یک جنبش شکل گرفته که شکل مدرن دارد.

این حاتم بخشی درویش پور در مورد تاریخ معاصر ایران اما بی دلیل نیست. به این باز خواهیم گشت.

استاد جامعه‌شناسی بعد از گله از "راست افراطی" که به روایت ایشان "ظرفیت ناشناخته خود را در ویرانگری به نمایش" گذاشت و استقبال از "پویش سیاسی دیگری"، اشاره ایشان به منشور ۶ تن است، که ایشان آنرا حرکتی "به رغم ناپختگی‌ها و خطاهای فاحش آن، از منظر ابتکار و شکل بخشیدن به نوعی تعامل و نزدیکی به میانه‌گرایی از جنبه‌های مثبتی برخوردار بود" معرفی میکند. اما آن "پویش سیاسی" متلاشی شد و ایشان این را هم نه نتیجه بی ربط بودن آن منشور به انقلاب زن زندگی آزادی که سعی داشت با اتکاء به "قدرت‌های خارجی" و یاری سپاه ادغام شده در ارتش مانع پیش روی انقلاب زن زندگی آزادی شود، بلکه نتیجه "بلند پروازی و خوش بینی مفرط شکل دهندگان آن منشور"، معرفی میکند. نهایتاً برای سر و شکل دادن "بلند پروازی ایرانیان" متوهم زده که عموماً منجر به سرخوردگی میشود، ایشان خواستار شکل‌گیری "انگاره‌های مشترک" دمکراتیک برای بسیج همگانی است که از کانال "اصلاح طلبان دینی دورشده از نظام گرفته تا چپ، ملی‌گرایان، جمهوری خواهان، گروه‌های قومیتی تحت تبعیض و حتی گرایش‌های معتدل در طرفداران "پادشاهی مشروطه" است؛ "و البته تحت هژمونی "معتدل‌ترین گرایش سیاسی" که ایشان خود را متعلق به آن میدانند "برای ایفای نقش لولا و پیشقراولی در یافتن راه حل ملی برای گذار به دمکراسی."

چیزی که از دید روشنفکرانی مانند درویش پور و چامسکی پنهان می‌ماند این است که هر جنبشی که علیه تبعیض و برای رسیدن به آزادی در زمانه ما رخ می‌دهد، با توجه به تسلط کامل سرمایه‌داری بر تمام جهان، تماماً جنبشی "ساختار شکن" علیه ساختار نظام سرمایه‌داری است. نمی‌توان این جنبش‌ها را بر اساس نظریاتی مانند ساختارگرا و پساساختارگرا تبیین کرد، که نظریاتی هستند که اساساً بر بستری علیه هر گونه تغییر از پایین شکل گرفته‌اند تا تأکید کرده باشند، هیچ تغییر بنیادی‌ای ممکن نیست. اگر چیزی هم بخواهد تغییر کند تنها ظاهری است و ساختار تغییر نمی‌کند. آنجا هم که از ساختارگرایی گذر کردند و ظاهراً یک جورهایی میشود ساختار را تغییر داد، اما اساس مسئله یعنی شیوه تولید سرمایه‌داری است که مسبب همه مصیبت‌هایی است که بشر درگیر آن است و گویا چون سنگ خارا دست نخورده باقی خواهد ماند. با همچنین نظراتی که به سراغ تحلیل جنبش‌های واقعی و روی زمین رفتن به همان جایی منتهی میشود که چامسکی نمی‌تواند روابط سرمایه‌داری حاکم بر ایران را ببیند و مهرداد درویش پور "جنبش زن زندگی آزادی" را به گونه‌ای توصیف میکند که گویا یکباره به اتکای نیروی جوان از زیر بوته سر درآورده و به نهادهای سنتی تن نمی‌دهد؛ و قشر خاکستری، والدین نسل جوان محافظه‌کارتر از این حرف‌ها هستند که وارد گود شوند!

برخلاف نظر مهرداد درویش پور که تأکید میکند: جنبش زن زندگی آزادی ریشه اقتصادی و طبقاتی ندارد، انقلاب زن زندگی آزادی ریشه در شیوه تولیدی‌ای دارد که بر استثمار اکثریت جامعه استوار است. در جایی مانند ایران ضربدر یک حکومت مافیایی و سیاه مذهبی که منجر به فقر و فلاکت و تبعیض و توهین به انسان در انتها

## در اهمیت انقلاب ...

از صفحه ۹

خاکستری پیش بردند. پیش از آن هم به گواهی تاریخ معاصر ایران، جنبش چپ و سوسیالیستی جنبش معتبری بوده که از اجتماعيون و عاميون مشروطه، تا امروز کمونیسم کارگری نقش مهمی در تحولات ایران داشته اند. "نهادهای سنتی"، با وجود همه اختلافها با دولتهای حاکم، که برخی تنها "عاملیت" آنها را در تاریخ معاصر ایران برسمیت می‌شناسند، تماما علیه این جنبش و در خدمت سلطه سرمایه داری در ایران بوده اند. انقلاب زن زندگی آزادی، به مثابه انقلابی علیه تبعیض‌هایی که نظام سرمایه داری حاکم طی صد سال گذشته بر جامعه ایران تحمیل کرده، جلوه ای دیگر از جنبش چپ و سوسیالیستی است. در یکسال گذشته بسیار کوشش کردند که دامنه این انقلاب را محدود کنند، و بعد از این هم تلاش خواهند کرد. این اما هیچی از اهمیت انقلاب زن زندگی آزادی کم نمی‌کند.

بر خلاف نظر چامسکی این انقلاب تنها "برای فراهم شدن شرایط حداقلی برای مشارکت آزاد در یک جامعه مشارکتی باز" نیست و برخلاف نظر مهرداد درویش پور این جنبش همگرایی خود را در میان نیروهای به شدت ارتجاعی جستجو نمی‌کند. بلکه این انقلاب توان و نیروی خود را از اعماق جامعه میگیرد که زیر سلطه نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم، تمام کرامت انسانی خود را سرکوب شده می‌یابد. انقلاب زن زندگی آزادی چیزی مربوطه به گذشته نیست. انقلابی است جاری، که واقعا زیر و رو کننده است و موجبات رنسانس عظیمی در ایران و جهان خواهد شد. رنسانی که بار دیگر انسان مرکز توجه خواهد بود. اما این بار نه برای رسیدن به "حقوق فردی"، بلکه برای داشتن حقوق جمعی که هر انسانی بتواند مستقیما در سرنوشت خود مشارکت کند، و رهایی انسان به معنی واقعی رقم بخورد. و این تنها شانس بشریت است در روزگاری که نفس حیات کنونی زمین به شدت زیر سوال رفته است. یک زمانی گفتند "یا سوسیالیسم یا بربریت"، این اما با توجه به شرایط کنونی باید به "یا سوسیالیسم یا نابودی حیات" تغییر یابد.

درجه خود شده است، میتوان این جنبش را توضیح داد. جمهوری اسلامی سرمایه که نفس شکل گیری وجودش سرکوب یک انقلاب بوده، اکنون سرکوب انقلابی را بر عهده دارد که اساس وجود خودش را نشانه گرفته است. تنها بخاطر مسایل ایدئولوژی صدر اسلام نیست که این حکومت ضد زن است، بلکه ضد زن بودن آن پیش از هر چیز برای سرکوب انقلاب ۵۷ بود و این سرکوب برای سازمان دادن بهره کشی سرمایه داری است که معنی میدهد؛ جنبش زن زندگی آزادی به عنوان یک جنبش ضد تبعیض، به تبع آن اساسا سلطه سرمایه که رنگ اسلامی به خود گرفته است را هدف خود قرار داده است.

اگر راست افراطی سلطنت طلب، و غیر سلطنت طلب و سلطنت طلبان مشروطه خواه، اصلاح طلبان حکومتی، جمهوری خواهان و ... به بن بست رسیده اند و هر اقدامشان به شکست منتهی میشود، تماما به این میگردد که این نیروها در پی حفظ اساس ساختار حاکم کنونی، یعنی بهره کشی از اکثریت جامعه هستند. آنهم جامعه ای که سالهاست شعارهای اصلی اش منزلت، کرامت انسانی و آلترناتیو شورایی است. این واقعیت مهم را نیروها و جریاناتی نمی‌خواهند بپذیرند، برای همین به قول جناب درویش پور با شکل گرفتن جنبش زن زندگی آزادی غافلگیر میشوند. برای کسانی که عاملیت جنبش طبقه کارگر، یعنی کمونیسم را در تاریخ معاصر ایران ندید می‌گیرند و این ندید گرفتن عملی کاملا آگاهانه است، برای ایجاد سد در مقابل جنبش ضد سرمایه داری، که مهمترین تجلی آن، امروز خود را در انقلاب زن زندگی آزادی نشان میدهد.

انقلاب زن زندگی آزادی، ثمره و اوج مبارزاتی است که چهار دهه است بی وقفه علیه سلطه سیاه سرمایه اسلامی شده جریان داشته است. مبارزاتی که همان قشر

## دو خبر خوشحال کننده توقف احکام اعدام - حسن صالحی



درویش کرد. در مورد محمد قبادلو مادر ایشان خانم معصومه احمدی زحمت زیادی کشید. بارها با مردم درباره پسرش صحبت کرد. به یاد می‌آورد که در دیمه سال گذشته زمانی که خبر انتقال محمد قبادلو و محمد بروغنی برای اجرای حکم به انفرادی زندان رجایی شهر منتشر شد، مردم چگونه به فراخوان این خانواده ها پاسخ مثبت دادند و جلوی اعدام فرزنداناش را گرفتند. همکاری موثر خانواده های محکومین به اعدام با سایر مردم چه در ایران و چه در جهان یکی از عوامل موثر در توقف اجرای حکم این دو عزیز است. این همکاری و اتحاد باید تا آزادی قطعی این دو عزیز از زندان ادامه یابد و همه گیر شود.

مندرج در ژورنال شماره ۴۸۳

روز چهارشنبه چهارم مرداد دو خبر از توقف احکام اعدام منتشر شد که دل ما را خیلی شاد کرد. اولی مربوط به عباس دریس کارگر مبارز و شریف ماهشهری که الان چند سالیست در زندان است و یکی از شاهدان کشتار رژیم اسلامی در نيزارهای این شهر در سال ۹۸ بوده است. پس از آنکه وکیل عباس از ثبت اعاده دادرسی در شعبه نهم دیوان عالی کشور خبر داد اجرای حکم اعدام وی متوقف شد تا به درخواست اعاده دادرسی رسیدگی شود. دومی هم مربوط به پرونده محمد قبادلو از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی است که به دلیل ایرادات جدی در پرونده وی و وضعیت سلامتی ایشان حکم دوبار اعدام نقض گردید.

دلایل متفاوتی را می‌توان برای توقف این دو حکم اعدام ذکر کرد ولی آنچه که بطور قطع می‌شود گفت این است که اگر این دو زندانی تا به حال زنده هستند به دلیل توجهی است که همه ما به سرنوشت آنها داشته ایم. نام عباس دریس و محمد قبادلو به اعتبار کارزارهای متفاوتی که برای نجات آنها براه افتاده اکنون جهانی شده است و بسیاری آنها را می‌شناسند. تجربه نشان داده است که به هر درجه ای که اسیران ما در زندانهای رژیم اسلامی گمنام نباشند و مردمان بیشتری به صدای آنها تبدیل شوند رژیم اسلامی کمتر می‌تواند به آنها آسیب جدی برساند چرا که حکومت خود را زیر فشار می‌بیند.

وجه مشترک این دو پرونده فعالیت اعضای خانواده های آنها برای نجات عزیزانشان است. بعد از تایید حکم اعدام عباس دریس از سوی دیوانعالی، خانواده او از جهانیان برای رهایی او از خطر اعدام طلب کمک کردند. اقدامات این خانواده اعم از انتشار ویدئو و یا نوشتن نامه به جهانیان کمک موثری به کارزار نجات عباس

## ۹ مرداد: تجمعات بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراض



امروز نهم مرداد ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراض علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر در مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع کردند. این تجمعات در کرمانشاه، شهر کرد، شیراز، اهواز، اصفهان، مشهد، شیراز، اردبیل، ورشت برگزار شد.

در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان در ادامه تجمعات خود راهپیمایی کرده و شعارهای اعتراضی خود را فریاد زدند.

بازنشستگان مخابرات علاوه بر اعتراض به سطح نازل حقوقها به اجرا نشدن آیین نامه ی استخدامی و رفاهی سال ۸۹ و بالا کشیده شدن حق و حقوق خود توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام و عدم پاسخگویی به مطالباتشان اعتراض دارند. بعلاوه ورشکستگی صندوق های بازنشستگی و به سرقت رفتن پولهای آن، مصوبه مزدی ضد کارگری شوراب عالی کار و برنامه توسعه هفتم موضوع مشترک اعتراض آنها با دیگر بازنشستگان و بخش وسیعی از مردم در سطح جامعه است. از همین رو یک موضوع مورد تاکید آنها تجمع مشترک همه بخش های بازنشستگان است که خود را در شعار «کشوری، لشکری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد» بازتاب میدهد.

در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: «یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه»، «سهامدار عمده حق ماها را خورده»، «گرانی تورم بلای جان ما شد»، «اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد»، «بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن»، «تا حق خود نگیریم هر روز همین بساط است»، و «قط کف خیابان بدست میاد حقمون».

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و سرکوبگری های حکومت از تاکیدات مشترک همه بازنشستگان است. از خواستها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد. یادآوری کنیم که در رابطه با همین مطالبات روز گذشته یکشنبه بازنشستگان تامین اجتماعی در ۸ شهر دزفول، شوشتر، اهواز، شوش، ورشت و کرمانشاه تجمع داشتند و بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران تجمع اعتراضی برپا کردند. حزب کمونیست کارگری بر تجمعات مشترک و متحدانه بخش های مختلف بازنشستگان تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۹ مرداد ۱۴۰۲، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳

یکی از عرصه هایی که زندگی را برایمان تلخ کرده گرانی هر روزه مایحتاج روزانه مان است. بسیاری از اقلام معمولی را مجبور شدیم از زندگیمان حذف کنیم. سفرهای تفریحی برای بسیاری از خانواده ها کالانی لوکس است. مسکن با امکانات رفاهی در ذهنمان هم نمیگنجد، تفریحاتی مثل استخر و سینما و تئاتر و کنسرت را که سالهاست فکرش را هم نمیکنیم. روز به روز سفره هایمان را کوچکتر کرده اند. با گرانی ۴۰ درصدی نان، سفره های محقرمان را باز هم کوچکتر کردند. شرم بر شما زالوها که از خون و جان ما تغذیه میکنید. نان را هم از ما دزدیده اید.

جسارت زنان جوانی که این روزها با اوباش حکومت رو در رو میشوند و چشم در چشمشان میدوزند و میگویند به عقب برنمیگردیم، عزم پر غرور و مصمم جوانانی که میگویند ما باید پیروز شویم، خانواده های دادخواهی که با قامت استوار، خواست عزیزان کشته شده در یک جنگ نا برابر را نمایندگی میکنند، همه و همه نشان از اراده جمعی برای پایان بخشیدن به این همه حرمان و نا برابری دارد.

دیگر بس است! در آستانه یک سالگی شروع انقلاب با قدمهای محکم به سوی سرنگونی حکومتی میرویم که نانمان را هم ربوده است.

(مندرج در ژورنال شماره ۴۸۴)

## سفره های خالی و قلبهای پر امید - سیما بهاری

«همزمان با انتشار خبر افزایش ناگهانی قیمت نان در مشهد، رئیس اتحادیه نان در این شهر از اجرای تدریجی برنامه افزایش قیمت نان در سراسر کشور با دستور دولت ابراهیم رئیسی خبر داد.» ۴۴ سال پیش، مردمی که تبعیض و خفقان نمیخواستند شاه را طی انقلابی که میتوانست با شکوه باشد، میتوانست پایان بی عدالتیها و پایان حلبی آبادها و زاغه نشینها باشد، به زیر کشیدند. مردم زحمت کش و حق طلب رویاهایی داشتند. رویای پایان دادن به سفره های محقر، دستهای پر کار اما خالی، و رویای خوشبختی. مردم برای تحقق این آرزوها انقلاب کردند.

جمهوری اسلامی سوار بر انقلاب شد و از همان ابتدا با شمشیر از رو بسته به هر آنچه زیبایی و طراوت و انسانی بود تاخت. با داسی در دست و نفرتی در دل، کشتند و سوزاندند و درو کردند. سوزاندند اما هرگز امید و رویاهایمان را نتوانستند بگیرند. ۴۴ سال است که با امید ایستاده ایم و علی رغم همه سبعتی که به ما تحمیل کرده اند، باور به فردایی روشن را در ما نتوانستند بکشند. امید و باور به امکانپذیری تغییر هر روز در دل میلیونها نفرزنده ماند و رشد کرد.



## سوم مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر



حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ مرداد ۱۴۰۲، ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳

در ادامه تجمعات بخشهای مختلف بازنشستگان، امروز ۳ مرداد ماه بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه شبیه های گذشته علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، یزد، اردبیل، سنندج، و شیراز برگزار شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی نیز در کنار معلمان بازنشسته تجمع داشتند و تجمع کنندگان شعار میدادند "دولت شش کلاسه، همین روزها خلاصه". شعارهای دیگر تجمعات این روز عبارت بودند از "بیشرف دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "مسئول بی کفایت استعفا، استعفا"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت".

یک گفتمان مهم در میان بازنشستگان تجمعات مشترک بخش های مختلف کشوری، لشکری، مخابرات و تامین اجتماعی با هم است. دزدیها و اختلاس از صندوقهای بازنشستگی و خالی شدن صندوق ها، مصوبه مزدی شورای عالی کار، سرکوبگریهای حکومت و امنیتی کردن مبارزات و دستگیریها، سطح نازل حقوقها و افزایش نجومی قیمتها، بی تامینی و محرومیت از درمان رایگان، موضوعات مشترک اعتراضی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری است.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی و درمان رایگان و تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی از جمله مطالبات فوری اعلام شده معلمان بازنشسته است. اعتراضات گسترده بازنشستگان و شعارهای اعتراضی کوبنده آنها در شهرهای مختلف در متن شرایط پر تلاطم جامعه یک تحول سیاسی مهم است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزات بازنشستگان بر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردم از آنها تاکید دارد.

## اعتصاب کارگران مجتمع معدنی چادرملو ادامه دارد



کارگران معدن چادرملوی یزد از سه روز پیش وسیعاً در اعتصابند. بیش از ۱۲۰۰ کارگر این معدن دست از کار کشیده و تمامی مجموعه های تولیدی معدن به حال تعطیل در آمده است. زیر فشار اعتراض کارگران مسئولین مجتمع و آسفالت طوس خواستار جلسه ای با نمایندگان کارگران شده اند. اما کارگران که امیدی به چنین جلساتی ندارند، اعلام کرده اند که تا وقتی به خواستههایشان پاسخ داده نشود به اعتصاب ادامه میدهند. اعتصاب این کارگران در اول مرداد در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواستههای اعلام شده آنها آغاز شد. خواستههای اعلام شده کارگران از جمله عبارتند از افزایش حقوقها، پرداخت کامل سهم کارگران از سود سهام شرکت، همسان سازی حقوقها و بیمه تکمیلی.

معدن چادرملو در منطقه کویر مرکزی ایران به فاصله ۱۸۰ کیلومتری شمال شرقی یزد و ۳۰۰ کیلومتری جنوب طبس قرار گرفته و کارگران در شرایط آب و هوایی سختی ناچار به کار هستند.

آخرین خبر: روز سوم مرداد طی جلسه ای پنج ساعته مابین مسئولین مجتمع چادرملو، مدیران آسفالت طوس و نمایندگان کارگران توافقاتی حاصل شد و کارگران موقت به اعتصاب خود پایان داده و به سر کار بازگشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ مرداد ۱۴۰۲، ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳



پس از بازداشت در جریان اعتراضات مردم در سال ۱۴۰۱، از بابت یک پرونده قضایی در دو بخش توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران و شعبه دادگاه کیفری یک استان تهران، به دو بار اعدام محکوم شده بود.

توقف حکم اعدام عباس دریس و محمد قبادلو برای همه مردم بسیار خوشحال کننده است. اما هنوز به معنای رفع کامل خطر اعدام برای این دو معترض نیست و باید کارزار آزادی آنها را فعالانه ادامه داد. جمهوری اسلامی از مجازات اعدام برای ایجاد رعب در جامعه و عقب راندن اعتراضات بحق مردم استفاده میکند و جنایات بیشماری را در این خصوص انجام داده است. سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به قانون مجازات اعدام خواست همه مردم است و هر مورد اعدام و جنایت، به خشم مردم علیه این حکومت جنایت بیشتر دامن میزند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۴ مرداد ۱۴۰۲، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۳

## حکم اعدام عباس دریس و محمد قبادلو متوقف شد

بدنبال کارزاری گسترده در ایران و در سطح بین المللی برای نجات جان عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸، فرشته تابانیان وکیل عباس دریس از توقف اجرای حکم وی خبر داد. او مینویسد: "اعاده دادرسی موکلم عباس دریس در شعبه نهم دیوان عالی کشور ثبت شد. دستور توقف اجرای حکم به شعبه اول اجرای احکام ماهشهر ارسال شد." اعاده دادرسی عباس دریس به کمک دو وکیل دیگر بهزادی و نیلی ارائه شده بود که در این خبر فرشته تابان از آنها نیز سپاسگزاری میکند.

عباس دریس اکنون چهارسال است که به جرم شرکت در اعتراضات و اتهام قتل یکی از مامورین حکومت اسلامی در زندان است و حکم اعدام او توسط دیوان عالی حکومت تایید شده بود. او هرگونه دست داشتن در قتل را انکار میکند. همسر عباس با شنیدن حکم اعدام عباس، متأسفانه سکته کرد و درگذشت و اکنون سرپرستی سه فرزند خردسال آنها را مادر عباس که سالخورده است و قدرت بینایی ندارد به عهده دارد. عباس دریس باید بدون قید و شرط آزاد شود.

بنا به یک گزارش دیگر حکم اعدام صادره علیه محمد قبادلو از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی محکوم به اعدام و محبوس در زندان رجایی شهر کرج نیز نقض شده است. این زندانی پیش تر به دو بار اعدام محکوم شده بود. امیر رئیسبان، وکیل محمد قبادلو در خصوص این خبر در توئیتر خود نوشته است: "محمد قبادلو،

## متن سخنرانی حسن صالحی در میتینگ اعتراضی مالمو در حمایت از عباس دریس (۳۱ تیر ۱۴۰۲)



عباس و برادرش محسن را گرفتند به محسن نتوانستند چیزی بچسبانند تبری شد ولی هنوز در زندان نگه اش داشته اند. عباس حکم مرگ بالای سرش است. همسر دلبند عباس دریس خانم کفایه حزباوی بعد از شنیدن خبر صدور حکم اعدام برای عباس از غصه سکته و فوت کرد. در واقع دق مرگش کردند. حالا سه فرزند قدونیم عباس دریس با مادر نابینا او انتظار می کشند که حداقل عباس دوباره به خانه بازگردد.

داستان عباس را برای هرکسی تعریف کنید مثل ابرای بهار زار زار گریه خواهد کرد. آخه این چه جهنمی است که حکومت اسلامی برای ما بوجود آورده که یک کارگر زحمتکش و شریف را به جرم هیچ و پوچ می گیرند و می خواهند اعدام کنند و بعد یه مشت مفتخور که دست به سپاه و سفید نمی زند باید آقایی کنند؟ ولی ما اینجا جمع نشدیم که زار زار گریه کنیم. ما جمع شدیم تا به فرزندان عباس دریس، علی، مهدی و محمد، بگوییم که شما فرزندان همه مردم ایران هستید و ما بهیچوجه شما را تنها نمی گذاریم. ما جمع شدیم که فریاد بزیم عباس دریس آزاد باید گردد. ما جمع شدیم که بگوییم که حکومت اعدام نابود باید گردد. ما جمع شدیم که بگوییم توماج صالحی، سامان یاسین، سپیده قلیان، جمشید شامهد، محمد جواد وفایی، زینب جلالی و همه معترضین دستگیر شده، همه زندانیان سیاسی فوراً و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. زندانی سیاسی، معترض زندانی آزاد باید گردد!#عباس\_دریس

دوستان عزیز ما امروز اینجا جمع شدیم که به فراخوان علی پسر ۱۶ ساله عباس دریس یکی از محکومین به اعدام در ایران پاسخ بدهیم که حکم اعدامش از سوی دیوان عالی جمهوری اسلامی تایید شده و ممکن است هر زمان اجرایی شود. علی از همه مردم دنیا و حتی کودکان هم سن و سال خودش خواسته است که "کمک کنید پدرم به خانه بازگردد!"

آیا آدم شرافتمندی در جهان پیدا می شود که نسبت به درخواست انسانی این جوان بی تفاوت باقی بماند؟ طبعاً نه و به همین دلیل است که همه ما با هر عقیده و باوری اینجا جمع شده ایم چرا که میخواهیم جان یک کارگر زحمتکش، یک پدر دلسوز و یک انسان بی گناه و یک معترض آبان ۹۸ و در واقع یکی از خودمان را از مرگ حتمی نجات دهیم.

عباس دریس تمام عمرش کارگری کرده، دستفروشی کرده تا یک زندگی شرافتمندانه را برای خود و خانواده اش تامین کند. مثل بیشتر مردم ایران. او را در ارتباط با اعتراضات آبان ۹۸ دستگیر کردند. او در ماهشهر شاهد کشتار فجیع جمهوری اسلامی در نزارهای این شهر بود که در همان سال اتفاق افتاد. جرمش همین است که شاهد جنایت رژیم بوده و حالا جمهوری اسلامی مثل هر حکومت تبهکار و مافیایی دیگه میخواهد شاهدین جنایت خودش را از میان ببرد. برای عباس دریس یک پرونده ساختگی درست کردند که یک مامور پلیس را کشته و زیر شکنجه هم از او اعتراف گرفتند. نکته مهم این است که خانواده مقتول رضایت داده اند با این حال رژیم می خواهد عباس را اعدام کند. چرا که همانطور که نوید افکاری قهرمان ما، که اگر رژیم او را اعدام نمی کرد همین امروز ۳۰ سالش می شد، گفت حکومت وحشی اسلامی فقط دنبال گردنی برای طناب دار میگردند تا از مردم معترض انتقام بگیرد.

خانواده دریس خانواده شناخته شده و محبوبی هستند در ماهشهر. اما رژیم برای انتقامجویی از مردم معترض این خانواده را در معرض تلافی شدن قرار داده است.



## تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد اصفهان و کارگران

### رسمی نفت

#### اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد

بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های هر هفته امروز ۸ مرداد در شهرهای اهواز، شوش، کرمانشاه و رشت تجمع کردند. این تجمعات در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فقر، گرانی، اختلاسها و دزدی ها و تعرضات هر روزه حکومت به زندگی و معیشت آنان برپا شده است. حکومت و مسئولین جوابی به خواستههای بازنشستگان که هر روز فریاد میزنند، ندارند و نمیدهند. اما بازنشستگان کوتاه نمی آیند و متحدانه پیگیر خواستههایشان هستند. آنها به مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شوریاعالی کار که تاثیر مستقیمی بر حقوق بازنشستگان دارد، برنامه توسعه هفتم حکومت که تعرضی به کارگران و بویژه بازنشستگان است و به ورشکستگی کشاندن صندوق های بازنشستگی و به سرقت رفتن دارایی های آنها اعتراض دارند. بازنشستگان با شعار "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی اتحاد، اتحاد «بر همبستگی مبارزاتی بخش های مختلف بازنشستگان تاکید میکنند.

در این روز بازنشستگان از شهرهای دانیال شوش کرخه و هفت تپه در کنار هم در شهر شوش تجمع کردند و بعد هم دست به راهپیمایی زدند. آنها با شعارهایی علیه فقر و گرانی و با تاکید بر اتحاد و همبستگی با شعار "از خوزستان تا گیلان، مرگ بر این مدیران" اعتراض خود را به حمله وحشیانه ای که در این هفته به تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت صورت گرفت اعلام کردند.

در رشت نیز در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند و شعار میدادند: "کشور و غارت کردن، ما رو بیچاره کردن" و این فریاد اعتراض کل جامعه است که امروز در تجمع بازنشستگان در رشت فریاد زده شد.

تجمع دیگر این روز در اهواز برگزار شد و بازنشستگان تامین اجتماعی در این شهر با فریاد شعارهایشان از مقابل درب اداره کل تامین اجتماعی تا میدان فرهنگ شهر راهپیمایی کردند. آنها شعار میدادند: "نه خواری، نه ذلت، مرگ بر این عدالت!". آنها همچنین خواستار لغو حکم ناعادلانه علیه وکیل جسور و حامی کارگر و بازنشسته، فرزانه زیلابی شدند و بفرماندگی از او در جلوی صف راهپیمایی کارگران برجسته بود. در کرمانشاه نیز بازنشستگان تامین اجتماعی شعار میدادند: "اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "فریاد، فریاد از اینهمه بیداد".

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته به صندوقهای بازنشستگی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای فوری بخش های مختلف بازنشستگان است. بازنشستگان فریاد رسای اعتراض همه مردم هستند



و باید از تجمعات و خواستههایشان حمایت و پشتیبانی کرد.

تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی زنان و مردان بازنشسته فولاد در اصفهان برپا شد. در اینجا هم بازنشستگان بر همان خواستههای سراسری همه بخشهای بازنشسته تاکید داشتند. یک شعارشان این بود "مجلس سرسپرده، گرونی رو آورده". علاوه بر بازنشستگان، پرستاران بیمارستان امام در تهران در اعتراض به معوقات و نحوه اجرای تعرفه گذاری ها تجمع داشتند. وضعیت معیشت کادر درمان بر وضعیت سلامتی عمومی جامعه تاثیر مستقیم دارد و خواستههای آنها باید وسیعا مورد حمایت قرار گیرد.

آخرین خبر مربوط به تجمع کارکنان بهره برداری نفت و گاز گچساران است. در این روز صدها نفر از این کارگران در اعتراض به گرانی ها و عدم تطابق سطح حقوقها با رشد فزاینده تورم و عدم اجرای ماده ۱۰ که می تواند در افزایش حقوقهایشان تاثیری داشته باشد، تجمع و اعتراض کردند و بر افزایش حقوق و دیگر خواستههای خود تاکید کردند. این اعتراضات در حالی صورت میگیرد که کارگران پروژه ای پیمانی نفت نیز خبر از تدارک اعتصاب علیه وضع بد معیشتی و شرایط اسفناک کاری بویژه در گرمای سوزان تابستانی و برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته شان داده اند. اعتراضات گسترده در محیط های کاری و تجمعات سراسری بازنشستگان و تجمعات هر روزه دیگر بخش های معترض در دل جامعه پر تلاطم و در آستانه سالگرد انقلاب، بستر مناسبی برای اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری اعتراضی مردمی است. با شکل دادن به چنین ابعادی از اعتراض به استقبال موج جدید انقلاب و گسترش مبارزات و اعتراضات برویم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۸ مرداد ۱۴۰۲، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۳

## سروناز احمدی را به کودکان بازگردانید



جمعی از انجمن های حامی کودکان:

سروناز احمدی را به  
کودکان بازگردانید

ما جمعی از انجمن های حامی کودکان خواستار آزادی سروناز احمدی هستیم و از همه کسانی که دغدغه رفاه و شادی و حیات کودکان این سرزمین را دارند می خواهیم صدای او باشند. انجمن حمایت از حقوق کودکان انجمن حمایت از کودکان کار انجمن فرهنگی اجتماعی کیانا انجمن فرهنگی - پژوهشی پرنده درخت کوچک

انجمن یاری کودکان در معرض خطر  
انجمن یاری گران کودکان کار پویا  
تاک سرزمین من  
گروه تلاشگران یاری همدل  
موسسه توانمندسازی مهر و ماه  
موسسه توانمندسازی ندای ماندگار  
دروازه غار  
جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان  
برگرفته از مدیای اجتماعی